

پیش بسوی مبارزه آیدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

سیاست انتخاباتی سازمان چریکهای فدایی خلق جلوه‌ای از انحراف رویزیونیستی (۲)

مورخ خودمختدمی سازد و آن را با از خود - گذشته و فداکاری بنده در راه آزادی پرولتاریا به پیش می راند. ولی روشن است که رسیدن به این آرمان مقدس نیزه‌ها برادران طبقه کارگر است. این آرمان را باید در یک مبارزه مسلحانه و پیوسته با دشمنان داخلی و خارجی به دست آورد. این مبارزه را باید در یک مبارزه مسلحانه و پیوسته با دشمنان داخلی و خارجی به دست آورد. این مبارزه را باید در یک مبارزه مسلحانه و پیوسته با دشمنان داخلی و خارجی به دست آورد.

۲ - رد تز سوسیال امپریالیسم و ناسیونالیسم
 شوروی بمثابه یک کشور سوسیالیستی و نیز تا ششدهست توسعه طلبانه آن سه مثابه آنتروپ سوسیالیسم پرولتری .

انحراف اصلی سازمان چریکهای فدایی در کجاست؟

۱ - تحریف اپورتونیستی محوریت کلاسیک "چریان ۳" : در در نظریات تحریف آمیز رویزیونیستی سازمان چریکهای فدایی تا باید گفت آنچه کمونیستها را در شکلهای ما - کمونیستی - لنینیستی چریان ۳ کرده‌اند و وحدت می بخشد، مرها می طبقه کارگر از برادری سرما به داری و آرمان مقدس پرولتاریا را انحرافی نباشد. به علاوه در رابطه با "چریان ۳" باید گفت که این طبقه دارای یک خط منسی سیاسی واحد نمی باشد. زیرا در برگیرنده شکلات گوناگونی است که کم و بیش دارای سیاستها و متفادونی هستند (ه) ولی مسئله مورد بحث اینست که "چریان ۳" با در حقیقت طبق سوم علاوه بر این عقاید دمو می نیست به آیدئولوژی طبقه کارگر، آزا غا زدا رای یک سری ویژه گیهای بوده است که این طبقه را از "چریان ۱" و "چریان ۲" متما بزموده است. این ویژه گیها کدامند؟ طرح شعار استراتژیک جمهوری دموکراتیک خلق سه رهبری طبقه کارگر، مرز بندی با سوسیالیسم پرولتری چریک، مرز بندی با رویزیونیسم فرودستی، سوسیال امپریالیسم شوروی و حزب توده ها و سایر مرز بندی با شوروی رویزیونیستی و ارتجاعی "سه جهان" از جمله منتهات اساسی طبق سوم می باشد. بدین ترتیب میان اینکه محوریت کلاسیک "چریان ۳" را فقط از منقاد به تز سوسیال امپریالیسم تشکیل می دهد جز تحریف و قلب حقایق جزیدستی سمیست . کمونیستها هدف خود را آزادی یعنی برقراری کمونیسم است. هر چند که این تشکیلها تحت شرایط کنونی جنبش کمونیستی میهن کار ملامت آرازی را نشان می دهد نظرات طبقه کارگر از قیاد استقامت و رطفا بی و ایجاد جامعه نوین بی طبقه قرار داده اند و در حقیقت همین آرمان انقلابی است که آنان را اندور

ولی مرفه نظر از این واقعیات ، چریا سازمان چریکهای فدایی از کاندیداهای کمونیست حمایت نکرد ؟ آیا این عدم حمایت به عدم درک این سازمان از مسائل فوق الذکر برمی گردد ؟ بنابراین خیر . منظر ما این عدم حمایت اپورتونیستی ، همین یک سیاست طبقه کارگر است . مینماید که این سازمان را از سوی دیگر با انحراف طبقی و سکتاریسم جا کم بر آن قابل توضیح است . روشن تر اینکه گرایش رویزیونیستی - طبقی سازمان چریکهای فدایی خلق ما به این ازان می گردد که این سازمان از کاندیداهای نیروهای مارکسیست - لنینیست "چریان ۳" حمایت نماید . این مسئله اساسی را بیشتر توضیح می -

دهیم : در این بحث منظور ما سی مانده است که چرا سازمان چریکها به کاندیداهای کمونیست رای نداد . بلکه منظور ما سی مانده است که این سیاست نتیجه ناگزیر یک پیش طبقه است . ما می خواهیم از این امر صحت کنیم که پیش رویزیونیستی جا کم بر سازمان چریکهای فدایی خلق مانع اصلی عدم حمایت گردید . در اینجا هدف و منظور ما سی ما مبارزه علیه این گرایش و پیش انحرافی و فدیبرو - لتری بر حوال یک مسئله مشخص است .

محوریت کلاسیک چریان های وابسته به خط رانگی موجودیت اردوگاه سوسیالیستی و تبلیغ و ترویج تزارتخامی "سوسیال امپریالیسم" تشکیل می دهد . این جریان ها که با شعار "مرگ بر امپریالیسم" و "مرگ بر سوسیال امپریالیسم" سه میدان آمده اند ، مشخصاً چریان انقلابی هستند که در اردوگاه اردوگان اردنستان و خلقهای جهان می بنایند . هم اردوگاه سوسیالیستی را هم اردوگاه امپریالیستی را . و این خطرناک ترین انحراف در جنبش کمونیستی ایران است . (کاره ۵۰ ، ۲۲ اسفند ۵۸) در گفتار اپورتونیستی فوق سه نکته اساسی نهفته است : ۱ - تحریف اپورتونیستی محوریت کلاسیک "چریان ۳" ۲ - تا شید و جدا اردوگاه سوسیالیسم و نفی رویزیونیسم .

ما در اینجا از سیاست انتخاباتی رویزیونیستی سازمان چریکهای فدایی خلق در قسمت اول این مقاله نشان دادیم که معیار اصلی درجه بندی از نیروهای کمونیست و انقلابی معیار سیاست و متنی و هیئت طبقه کارگر است . معیار اصلی مورد نظر ما با شده در شرایطی که ضرورت دارد که ارتجاع و وفدا انقلاب هر چه بیشتر به انفراد کند و شود . منافع طبقه کارگر و انقلاب ایجاب میکنند تا قطب دموکراتیک - نیمه انقلابی پیش از هر زمان دیگر از استحکام و نیرومندی بی نظیری برخوردار باشد ، زیرا استحکام قطب دموکراتیک - نیمه انقلابی - اجاره خواهد داد تا بتواند متمرکزتری در میان توده ها به نشانی ما هیئت ارتجاع و امپریالیسم و با رلمان تا ریسم پرولتاریا برده آخته ، به تبلیغ برنام سوسیال پرولتری و انقلابی دست زده و نتواند از آن آگاهی توده ها گاسته آنان را برای انقلاب آماده تر ساخت . سازمان چریکهای فدایی در توجیه سیاست رویزیونیستی و اپورتونیستی خود در مبارزه انتخاباتی و در توجیه عدم حمایت خود از کاندیداهای کمونیست و بطور مشخصی کاندیداهای سازمان ما مطرح نموده وجود اختلافات سیاسی - آیدئولوژیک و با انحراف سیاسی مانع حمایت است . ما در قبل روشن ساختیم که خنیم که در سطح جنبش کمونیستی ایران اختلافات و انحرافات سیاسی - آیدئولوژیک متشده و وجود دارد ولی تا زمانیکه این اختلافات و انحرافات نیروی حیاتی اراکل نیروها و جبهه های موجود در دوران نهفت مارکسیستی ایران را از جنبش کمونیستی و فرا تراز آن از جنبش خلق خارج ننموده است ، حمایت متقابل این نیروها در عرصه مبارزه طبقه کارگر در برابر فدا انقلاب درست و لازم است . در شرایط اختلافات و با رکاندگی سیاسی - آیدئولوژیک جنبش مارکسیستی - لنینیستی این حمایت نمی تواند نمودار باشد تا فی استقلال هر نیرو در تبلیغ و ترویج منی و سیاست مورد نظر می باشد . تحت این شرایط در عرصه جنبش چریکها نیروی سیاسی ما حفظ استقلال در حرکت خود با بدیه حمایت از نیروی دیگر و برادران ما را مراکز جنبش در خدمت وحدت بلافاصله جنبش کمونیستی نباشد ولی لا اقل در آخرین تحلیل قطب چریا از نیرو و قدرت بیشتر جهت افشاگری و وسیعتر برخوردار نموده و روشن است که این امر در خدمت وحدت جنبش خلق می باشد .

۲ - تا شید و جدا اردوگاه سوسیالیسم و نفی رویزیونیسم : حال به توضیح است که اگر تحقیق آرمان پرولتاریا تنها بر اساس لنینیستی میسر است ، کمونیستها و پرولتاریا فقط در مبارزه علیه دشمنان رینگا رنگ است که می تواننده پیروزی نهائی برسد . لنین می نویسد : "خط اساسی برای تدارک پیروزی کامل پرولتاریا ، پیش بزدن مبارزه ای طولانی ، رزمنده و بی رحمانه بر علیه فرصت طلبی ،

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

رهرمسم سوسال - سوسیسوسال
وخریاساب دنگورورواشی است. سوسال
سایزاساب وخریاساب سشناظ آکسرو -
لناراد درمط سوسال سوسال سوسال
احسان سوسال سوسال سوسال سوسال
اس سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

اپورتونیسما روبروینسما دشمن طغانی
برولتا را می یابد سوسال سوسال سوسال
در اهرها ش خودنی سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

رویزونیسیم چیست؟

رویزونیسیم معمول دوران کنیدیگسی
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

هدف روزیونیسما چیست؟

هدف آسان تبدیل نمودن جنبش کارگری
به یک "جنبش کارگری سوزوواشی" می باشد.
هدف آسان نفی انقلاب سوسال نیست، نفی
دیگنا نوری برولتا را و جنبه های از نظام
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

حال سازمان چریکها ی فدائی تمام این
تفسیر و تحولات، تمام این خیانتها را ندیده
می گرد، این نبدیده گرفتار ها سنده تحریف
اطلی این سازمان را یعنی گراش شدت یافته
رویزونیسیم است. این سازمان آن تحسان
در گرداب تفکرات رویزونیسیم است سوسال
که به توجیه رویزونیسیم غا ثنا نه خروجنسی
دست زده و شوروی امروز را یک کشور "سوسال -
لمستی" قلمداد کرده و صحبت از "اردوگاه
سوسال" می نماید و سوسال ای اشات این
احکام رویزونیسیم یک حواسندال منطقی
نمی آورد. نتیجه تحریف رویزونیسیم و
بحران این سازمان را جزنا شد و رویزونیسیم
برگرا بیرونی و زی و بیعت کردن به بیرو -
لنار و ما رکیسم- لنتنیم چیز دیگری
نمی باشد. (۵)

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

۲- در سوسال امپریالیسم

شوروی بمثابه یک کشور "سوسال" و اجرا
کننده "انترناسیونالیسم پرولتاری" ما در
اینجا فرصت و مکان آن را ندیده که بررسی
عمیق تحولات شوروی به روزیم، بولی بطور
خلاصه با بدگویشیم که با غلبه رویزونیسیم
خروجنسی و نداد و توضیح آن توسط نادرویز -
رویزونیسیم بیرون غا ثنا، بعد از اینکه شتی سوزوواشی
رویزونیسیم در شوروی تحکیم گردید و جز ب
و دولت این کشورگلا اختلاس سوزوواشی
به یاد کردند، شوروی بمثابه یک کشور میا-
لمستی در عرصه جهانی عرض اندام می نماید.
مدور سوسال به شرکت در اشتیاق پرولتا را و
قلقه ای جهان (هندو اروپا ی شرقی ...)
رقابت با امپریالیسم آمریکا و مسابقه
تسلطی تا آن منظوردا شتن سهم بیشتر
سرکوب جنبشهای انقلابی (انویسی ...)
نذا تسلطی و اینجا کودتا های امپریا -
لمستی (افغانستان ...)، اینجا دبا یکگاه
نظامی در کشورهای دیگر، فروش سلطه به
رویزونیسیم اجرا می جهت بدست آوردن سود
امپریالیستی (فروش سلطه به رویزونیسیم ...)
همه و همه نشا نگر میا هیبت سوسال امپریالیستی
قدرت مسلط در شوروی است. شوروی بیگ
قدرت مسلط در سوسال - امپریالیستی تبدیل می -
گردد، قدرتی که فقط پوشش سوسال نیستی
دارد. حال روشن است که یک قدرت سوسال امپریا -
لمستی در دنیا شتا غا راجی خودنی سوسال نودانج
سوسال غارت و جزییات اول و جزییات اعمال سوسال -
گری و تجا و سوسال دیگری داشته باشد. سوسال -
برای این سیاست چنین کشوری نه انترناسیونالیسم

سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال
سوسال سوسال سوسال سوسال

یقرارباد جمهوری دموکراتیک خلق

ما شکریم سلطنتی تا همای بلندند و درسی ما رتیا "صاح دورا بدنت" سرما سده داری و اسده ایران نرآمد ما تا ای رستمن و منسی روزیو بیوسی و تسلیم طلبا نه آن سودا سکه امروز حزب نو ده ما هشت خاکه ایران سازش می کند و زیر ایران ن تسلیم منسو دیزنا سسی ارهان خط منی روزیو بیوسی تمام عمارات. و حال ایران ن جرگهای فدا ثی خلق شما روما زره هدا امیرا لستی نیروهای ضد روزیو بیوسی علیه سوسال امیرا لستم ثوروی را "حما ل" تلقی میکند و منهدات که سوسال امیرا لستم همان سوسال لستم است. ما زمان جرگه قدرت نجا و زگر ثوروی را دوست خلقها می زند و بدین ترتیب آب آب سبب دشمنان خلق می ریزد. ما می گوئیم این نزل سوز و کوتاهی عربان در ماز زره هدا امیرا لستی نتیجه منطقی درک روزیو بیوسی ما زمان جرگه است. هما نگونه که ثوروی روزیو بیوسی تقسیم هشت خاکه ارتعای بدو جناح "خوب" و "بد" دقیقاً ناشی از گرایش فوی روزیو بیوسی است این سازمان می باشد. عمارت دقیق-ترنگرین روزیو بیوسی ما زمان جرگه است. نتواننده نزلزل در ماز زره هدا امیرا لستی و بدو جزوای نجا نجا نمید.

بدین ترتیب متوجه می شویم که گرایش و گرایش فوی روزیو بیوسی سازمان جرگهای فدا ثی قادرند بر این مطلب نیست که بین دیدگاه و ماسا زره انقلابی کمونیستها علیه سوسال امیرا لستم ثوروی دیدگاه و شعار مد کمونیستی و عوام فریبانه "نه شرقی نه غربی" هشت خاکه فاطمه کبکی عمیقی وجود دارد. این سازمان قادر نیست مفوم پیگیر شمار کمونیستها را درک کند. سازمان جرگهها عوام فریبی میکند و مفون و فنی شمار و مبارزه کمونیستها علیه روزیو بیوسی سوسال امیرا لستم را و رینه جلوه می دهد و با این تحریف از یک مبارزه ایدئولوژیک کمونیستی بر روی این مسائل می گریزد. ما زمان جرگهها مبارزه کمونیستی علیه ثوروی را نخطه می کند. بولی خود در مقابل. این قدرت نجا و زگر را بر یک می نماید. سیاست توسعه طلبانه اثرنا ناید می کند و در عرصه مبارزه طبقاتی و مبارزه هدا امیرا لستمی موضعی تسلیم طلبانه اتخاذ نمی نماید.

**آیامتی سازمان
به منی سازمان جرگهای فدا ثی
نزدیک است؟**

در ادا معوضهات روزیو بیوسی سازمان جرگهها به کنشات (۱؟) تا زه ای رسیده است. این سازمان معتقد است که در "برنا مع حداقل" سازمان بیکار رو "سویزه در زمینه سیاست خارجی گرایش های تازه ای چشم مخورده" زیرا در برنا مع حداقل صحت از "کشورهای سوسال لستمی" گردیده است.

ما به جنین طرز برخوردی سهجوجه شیوه برخورد کمونیستی نمی گوئیم. این طرز برخورد مبتنی بر تحریف بوده و یک شیوه برخورد سوزو زوای در ماسا زره ایدئولوژیک می باشد. این شیوه برخورد حتماً از آنکه واقعات تاریخی و فدا ثی را در دهان افکند و بروا واقعات زنده متعکس در منی مواقع یک شیوه وارد آورد. مسائل تحریف شده و نسی زانقله حرکت فرار داده و بسین در هشتاد خود شروع به یک تازی می کند. این نوع برخورد در بی مبارزه ایدئولوژیک، بلکه درسی با سخ-گوشی به تمامای ذهنی خود می باشد.

نه تنها سازمان جرگهای فدا ثی بلکه کل حش کمونیستی ایران نسبت به مواضع سازمان

بیکار ز در راه آزادی طبقه کارگر در برخورد سوسال امیرا لستم ثوروی است ما شکریم. تمام انسترات و ارگانهای سازمان و ارگانهای دا - تجوشی و دانش آموزی و اسنه سازمانها هستند این مدعا است. ولی سازمان جرگهای فدا ثی دست به تحریف سوزو زوای می زند. این "کشورهای سوسال لستی و انقلابی" را تحریف کرده و سوزو زوای مدعی است که "گرایشهای تازه ای" در مواضع سازمان ما نسبت به سوسال امیرا لستم موجود است و این کجسی اسان را. بر این تحریف استوار می کنند که ما صحبت از "کشورهای سوسال لستی" نموده ایم و بسین بی آنست تا چنین الحاق کنند که گویا منظور سازمان بیکار از "کشورهای سوسال لستی" از جمله کشورهای اروپای شرقی و ثوروی میباشد!

ما بارها اعلام کرده ایم که ثوروی بیکار کشور سوسال امیرا لستی بوده و رویای شرقی در برگیرنده کشورهای روزیو بیوسی می باشد که افشا دانان بر ماسا زره ایدئولوژی "اخبار" شده حرکت کرده و در آنجا سوزو زوای خود خاسته در این کار می باشد. و نیز اعلام کرده - ایم که از زمان حاکمیت ما شکریم روزیو بیوسیها هوا کوکنگ و تنگ سیا شوینگ بر حزب دولت چین، چین بیک کشور روزیو بیوسی تبدیل شده است. بولی چرا سازمان جرگهها حقایق را وارونه جلوه می دهد؟ این نیرو حقیقت را می بویا ندانند! استیصال خود در ماسا زره ایدئولوژیک راستین را پنهان کرده و تمامای حش با فتنه نظاطی روزیو بیوسی خود را توجیه و محق جلوه دهد.

برای به همین شیوه تحریف آمیز سازمان جرگهها می گوید:
"در سطح حش کمونیستی ایران برنا مع حداقل سیاست و خط منی بیکار در برابر حاکمیت (؟) و ماسا زره طبقات و تحریف این جریان از موقعیت فدا ثی منطقی و از سایر جریانات مذهبی سازمان ما شکریم. برنا مع سیاست سازمان ما نزدیک تری است."

و بعلوه می گوید:
"بیکار همان ایدئولوژی و رتیکته و ارتعای خرد سوزو زوای عقب مانده و در حال تلاشی را... به عاریت گرفته است."

و در آنجا فیه می کنند که نیروی مانند سازمان بیکار که معتقد به سوسال امیرا لستم است جزو جریان ناشی است که "خطرناک ترین انحرافات در حش کمونیستی ایران" را تشکیل میدهد. (همانجا - همه تا کیدات از ما است)

در این گفته ها چند نکته حائز توجه است:

نکته اول اینکه، آیا سازمان جرگهها به تمامای گوشی عیب و غریبی نیا فکند است؟ چگونه سازمانی که جز "جریان" است که "خطرناک ترین انحرافات" را تشکیل می - دهد و دارای ایدئولوژی و رتیکته است می - تواند یک خط منی، برنا مع سیاست "تنیاً منطقی" ارا نه کند؟ مگر برنا مع سیاست یک نیروی مملو هونا اثرنا ایدئولوژی و بسین فکری از جریان سیاسی نمی باشد؟ و مگر مواضع سیاسی ما در عرصه های ملی و بسین الملی از ایدئولوژی ما رکتیستی - لنینیستی و بسین خرد روزیو بیوسی ما جدا می توانند اند؟ این نتا فنی را سازمان جرگهها با جواب دهد.

نکته دوم اینکه، هما منظور که در فوق نشان دهم این "ایدئولوژی و رتیکته" و مگر حقیقت

همان مارکتیسم - لنینیسم، همان مسازره کمونیستی علیه روزیو بیوسی سوسال امیرا لستم است. کسانی که دشمنان سوزو زوای - نیسروز بیوسی و سوسال امیرا لستم هستند قضاوت دیگری نسبت به مارکتیسم - لنینیسم داشته اند. روزیو بیوسیها همیشه عدیت با ایدئولوژی پرولنار را بلندند و میگویند آنرا از جوهر انقلابی خود حالی سازند - دنیا لره و روزیو بیوسیها، کسانیکه راه روزیو بیوسیها می بردند در پیش گرفته اند، نیز با درجا پای "تینفرا" ولان خود سگدارند.

نکته سوم اینکه، طرح این مسئله که خط منی سازمان ما با برنا مع سیاست سازمان جرگهها "نزدیک است، جز بدین واقعتها و محدودش کردن مزرها چیردگری نمی باشد. در اینجا بحث بر سر منی دیدگاه وحدت طلبانه در سطح حش کمونیستی ایران نیست. در اینجا بحث بر سر نزدیک دیدگاه انحرافی است. این دیدگاهها در دیدگاه منی مسازره ایدئولوژیک می باشد که از طریق پنهان کردن مواضع حش کمونیستی نمودن مزرها در تمام زمینه ها و روشن ساختن اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک حاد، عمدتاً دست به تحریف و مارکتیسم می زند. و در مواضع سازمان ما این مورد - با بدون روشن کردن دلایل خود بطور کاذب "اعلام نزدیکی" مواضع مینماید.

بیش ضروری بیوسی سازمان ما شکریم نمی توانند در مجموع سیاستها، شعارها و عمل کرده باشنا شبرنده شده و کارگزاران روزیو بیوسی حش کمونیستی سازمان جرگهها نیز بیوسی مجموعه برنا مع و حرکتی این سازمان عمل کنند. ایدئولوژی و بسین هر جریسان سیاسی در موعگیری های مربوط به مسائل ملی و بسین الملی آن جریان نا شومش و روشنی می گذارد. اگر سازمان ما بر پایه تحلیل طبقاتی خود هشت خاکه را ارتعای و در آنجا یک کنش حرکت خرد سوزو زوای مرفه را هدا انقلابی ارزیابی می نماید. اگر سازمان ما شعار استراتژیک جمهوری دمو - کراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر را مطرح می کند، اگر سازمان ما حزب نو ده را یک حزب روزیو بیوسی و ارتعای سوزو زوای وواسته به سوسال امیرا لستم ثوروی فکند می - کند، اگر سازمان ما ثوروی را یک کشور سوسال امیرا لستی و کودتای افغانستان را یک کودتای ارتعای و سوسال امیرا لستی حساب می آورد، و اگر سازمان ما در حرکت مبارزه انتقادی خود حاکمیتها را می گوید - نیست و انقلابی رای می دهد و کارگزارانهای طبقاتی مرفه ما مع را با یکوت انقلابی می - کند... همه این مواضع بر سبب کمونیستی و خرد روزیو بیوسی سازمان ما استوار است. در یک کلام مواضع سیاسی، انکاسی از ایدئو - لوژی و منی حاکم بر ما است.

حال آنکه اگر سازمان جرگهها فدا ثی بر پایه تحلیل سیاسی خود در هشت خاکه عد انقلابی دو جناح "خوب" و "بد" و "سرفی" و "ارتعای" می بیند، اگر سازمان جرگهها پای تا شید دولت بشی عذر فینه و رکتان سرکوب سوزو زوای ما شکریم می کند، اگر به دو جناح "خوب" و "بد" تقسیم می کند، اگر سازمان جرگهها تا دیر زوای رفرمیستی و لیسرا لی "شرفی" دیکتا نوری "آه" و "سما ر روزیو بیوسی" حاکمیت خلق را طرح می کرد و امروز تا رکت و روزیو بیوسی "حاکمیت دموکراتیک" توده ها "را مطرح نموده و بسین شریح رهبری طبقه کارگر در انقلاب را به طاقی نشان می گوید، اگر سازمان جرگهها

حزب نو ده را روزیو بیوسی فکند و انکده و آن را درون حش کمونیستی قرار می دهد، اگر سازمان جرگهها ثوروی را دروغ کنویوسا - لستی و انقلابی حاکمیتها کودتای "انسترا - عمل انقلابی" جلوه می دهد، و اگر سازمان جرگهها در سیاستها ناشی از خود حاکمیتها - های کمونیستی رای نمی دهد، بلکه به نمایندگان اقتدار مرفه و مدافعان این نظام ضد انقلابی رای می دهد... همه این مواضع نیز دقیقاً انکاسی از بسین حاکم بر ما زمان جرگهها فدا ثی می باشد. این مواضع کلا انحرافی بطور منطقی ناشی از گرایش روزیو - بیوسی و تمامای لبرالی موجود در منی سازمان جرگهها فدا ثی است.

بر همه روشن است که مواضع متفاوت و متفا دین دیزو نای از دو تفکر متفاوت می باشد. مسئله اساسی این نیست که ما زمان جرگهها اعلام میکنند که طرفدار مارکتیسم است. مسئله اساسی این است که بیوسی سازمان جرگهها چه درکی از "ما رکتیسم" در سازمان ما رکتیسم داشته باشد. مسئله اساسی این است که بیوسی سازمان ما رکتیسم است. مسئله اساسی این است که بیوسی سازمان ما رکتیسم است. مسئله اساسی این است که بیوسی سازمان ما رکتیسم است.

با سازمان جرگهها خیلی سریع روشن نمی - کند که به اختلافات بزرگی در منی مواضع این دیزو بیوسیها است. ماسا سکو نای کدر بالا شده این حقیقت بزرگ را نشان می دهد، ولی سازمان جرگهها این اختلافات را بطور ایوونیستی منی خود هاد میسند و صحت از "نزدیکی" میکنند.

سازمان جرگهها می گوید:
"اگر سازمان جرگهها فدا ثی امیرا لستم مانع نبود، ما را ی داد به این سازمان، حتماً تا آن و همکاری نزدیک تری آن را ششما به بود حش کمونیستی میسند" (همانجا)

ما می گوئیم سازمان جرگهها تا توان از ارائه یک تحلیل مارکتیستی است، زیرا رابطه دیکتاتر دیده ها را نسبت به یکدیگر نمی بیند. ما در بالا نشان دادیم که بر عکس اختلاف مواضع در منی سیاست حاکمیتها بر عا رت دیگر مواضع یک سازمان انکاسی طبیعی یک منی و بسین است. تحلیل ما از مسائل ملی و بسین الملی نتیجه خط منی حاکم بر ما است و بر این اساس واضح است که مواضع بیوسی سازمان جرگهها فدا ثی در رابطه دیکتاتر بیوسی سازمان ما شکریم می نمایند. ما معتقدیم کسانی که درک علمی و عمیق از ما هیت طبقاتی روزیو بیوسیها دارند و نتیجتاً از مرز بندی فاطمی علیه روزیو بیوسی برخوردار نیستند، بنا بر این می توانند درکی مارکتیستی از فکله سوسال امیرا لستم داشته و مواضعی پرولناری به ماسا زره علیه سوسال امیرا لستم دست زینند.

بنظر ما سازمان جرگهها فدا ثی در مقابل سوسال امیرا لستم انومی رسند چون درکی علمی از روزیو بیوسیها معنا به یک جریان طبقاتی - سوزو زوای ندارد. ولی سازمان ما علیه سوسال امیرا لستم موضع دارد زیرا علیه روزیو بیوسیها مبارزه میکند و بنا بر این موضع ضد سوسال امیرا لستی ما با زبان نگرش خرد روزیو بیوسی می باشد. سازمان جرگهها این مسئله را درک نمی کند که مبارزه علیه یک موضع مشخص (مملول) قبل از هر چیز مبارزه علیه یک گناه و بسینا دگرگونی (علت) آن موضع را طلب می - کند. سازمان جرگهها بطرز ایدئولوژی و رابطه

آنها که زمان شاه مخالف مسلح شدن خلق بودند، امروز خواستار خلق سلاح آیند!

سین علت و معلول را در ذهن خود مچمل ساخته و درسی آنتس با سروشی را او داده! به "سین" گرفتن "ک" موقع سینا بدو آنتهم موضعی که نسبت با روبرویوسیم را بخش می سازد.

سیاست و عمل چه کسانی به پیش سه جهانی؟

نزدیک است؟

ما زمان چریکها ی فدا ش در ادا مسه استدلالات انحرافی خود می گوید :

"سپا (سپکا) هرکما می خواهد سبز سوسا ل امیریا لیمورا در عمل بساده کند. موضع "سه جهان" را خوا هندی بسود. "سه جهان" را "سوسال" امیریا لیم "تنها" در حرف نغارت می کند. در عمل این دو نغارتی با هم دارند." (هما نجا)

۱ - در ابتدا ما این سؤال را طرح می-کنیم که برای اولین بار مگر کمیونستی های معتقد به سوسال امیریا لیم تنه اند که به تحلیل واقای تریوریزمیستی و ارتخا سی "سه جهان" واقای تریوریزمیستی چینی بلنسد تندند ؟ (۸)

۲ - بعد اینکه ما از زمان چریکها می خوا هیم با یون هچگونه عوا مفریسی نشان بدهد که موضع گیری عملی ما علیه سوسال امیریا لیم به پذیرش "موضع سه جهان" ختم شده است. این ما زمان را علیرغم تمام پیر خورد-های غیر ما دقا نه و تحریف آ میز ش تا سوان از اشیا تین امرائت. ما در عین حال که علیه سوسال امیریا لیم شوروی در همه-ها و در همه موارد دست به افشاکاری و مبارزه می-زنیم. علیه بورژوازی حاکم پترا یون و امیر-با لیم امیریکا بنما به دینین املنی طلفهای ایران را فاطما نه می جنگیم. ما در عین حال که کودتای امیریا لیمتی و تحا وزنظای شوروی در افنا نشان را فنا و محکوم می نمایم. توطئه ها و حرکتها ی ارتخا سی امیریا لیم امیریکا و چین روبرویوسیت در افنا نشان را نیز بر ملا ساخته و محکوم می کنیم. خارج از جهت های ما زمان چریکها ، واقعات نشان داده است که در ارتباط با ما مثل ملی مانند بر خورده قدرت سیاسی حاکم و آرایش طبقاتی ، بر خورده حزب و تشکل های بورژوازی و خرده بورژوازی ... و نیز مسائل سین المللی ، تحلیل های ما پرا تیکس مبارزاتی ما کا مالا مینا دنیا پیش ، مملکرد و "مواقع سه جهانی" می باشد .

۳ - مادر ارتباطا ک گفته فوق یک سشوال مطرح می کنیم و آن اینکه چرابین نقطه - نظرات و عقاید سازمانی ما زمان چریکها و نقطه - نظرات و عملکرد روبرویوسیتها (چه تنده ی ، چه سه جهانی) ، مشابهت ها و نزدیکی های سه جسمی خورد؟ برای اینکه ما این برش در حد یک حکما یی نما ند ، مسئله را بیشتر توضیح می دهیم .

سنظرا "تفکر سه جهانی" و تفکر روبرویوسیم خرونجی ما همتا هچگونه نغارتی ندارند . این دو تفکر روبرویوسیت می باشد و سیر نگرش و سیش سیاسی - طبقاتی یگانسه ای منگی است. این سیش یک پیش بورژوازی و فیدرولتری است. یعنی در واقع این "دونوع"

(۹) - حزب کارآلمانی جزا اولسن نیرو - های سوده که تریوریزمیستی سه جهان را بنه نغد کشید .

تفکر از ای یک فعل مشترک اساسی هستند. و آن روبرویوسیم است. در درون هر دو جریان فکری درک سازش و اتسی طبقاتی و استتکاف از مبارزه طبقاتی - انقلابی نهفته است و این امر همان روبرویوسیم است.

ویژه کنه های ملی و تاریخی نشوریهای روبرویوسیتنی نفی کننده ما هیت واحد همه این نشوریها نمی توانند اند. روبرویوسیم یک پدیده واحد سین المللی است. لنینس می گوید :

"روبرویوسیم یک پدیده سین المللی است ... با وجود تنوع طبیعی که از لحاظ شرایط ملی و مؤمل تاریخی در وضع کلیه این کشورها وجود دارد ، با هر همه ما از لحاظ ما هیت خود یکسان است." (مارکسیسم و روبرویوسیم)

برپا به این استدلال ، عدم مرز بندی بسا روبرویوسیم خرونجی و سوسال امیریا لیم نمی تواند در عمل به ما شدا اشکال دیگر - روبرویوسیم کشیده نشود. جوهر اشکال مختلف روبرویوسیم یکی است. به همین خاطر عدم موضع در قبال یک شکل از روبرویوسیم به عدم موضع در قبال جوهر یگان کشیده میشود. عدم موضع قاطع علیه روبرویوسیم خرونجی ما را در تیرا روبرویوسیم "سه جهانی" می حفاظ می - نماید و با لیمس .

از نظرا هر موضع گیری علیه روبرویوسیم بمعنای موضع گیری ما رکتیستی - لنینیستی و فدر و روبرویوسیتنی نمی باشد. شوروی و حزب تنده نیز علیه چین روبرویوسیت موضع میگیرند و روبرویوسیتها ی چینی و "سه جهانی" های وطنی هم علیه شوروی موضع می گیرند. این موضع گیریها کمیونستی نمی باشند. زیرا این موضع گیریها نه مبتنی بر یک درک کمو - سیشتی و در دفاع از انقلاب ، دیکتاتور ی پرولتاریا و منا فاع و آرمان پرولتاریاست ، بلکه بر عکس این موضع گیریها "زنا و بیه رقابت دوجریان بورژوازی صورت می گیرند.

ما زمان چریکها ی فدا ش ادا میکنند ما "سه جهان" مرز بندی دارد. ولی ما بدنگت که این ما زمان را علیرغم تمام اشها یی که علیه "سه جهان" ابراز میکند ، د صورتیکه موا فشت همچنان روبه فقتر ا رود ، در ادا سه خوشی ما ایدئولوژی های منطبق می شود که "سه جهان" برپا به آن کا مالا استوار است .

این ما زمان علیه "سه جهان" موضع می - گیرد ولی در عمل سیاست به عمل و سیاست روبرویوسیتنی و با لطمع "سه جهانی" نزدیک میشود. زیرا در خود را ی یک گرا بش قوی روبرویوسیتنی سوده و در مقابل روبرویوسیم شوروی موضع انقلابی ندارد .

این مشابهت و نزدیکی چگونه قابل تشخیص است ؟

ما زمان چریکها تا قبل از تقام سئز روبرویوسیتنی "تیردیا دیکتا توری شاه" را اراشه می داد. در همان زمان حزب تنده شما "جهه و امدد دیکتا توری" را مطرح ساخته بود. در چنین مقطعی دوشما را ستر ا تزیک این دونیرو با هم نظای می یافت .

امروز حزب تنده سه جهانی ها از دولت فدا انقلابی حاکمما یی می نما یند و ما زمان چریکها محبت از "بخش مترقی" هیئت حاکمه و حمایت از آن می کنند و بر خورده سیشی صدر

دارای یک سیاست مناسبات حوسا به مناسبا .

امروز حزب تنده سه جهانی ها در قبال دولت انقلابی آئنده که ما بدستفر کردد سکوت میکنند و ما زمان چریکها صحت ارتخا رکتک "حاکمیت دموکرا تیک تنده" ها "میکنند. هر چند که اینجا و آنجا ، و در لابلا ی سطور معدودی از مفا لاشنا تریکینانه از جمهوری دموکرا تک خلق" همتا می برده اند. امروز حزب تنده سه جهانی ها رهبری طبقه کارگر را خاشا نه بدست فراموشی سپرده اند و ما زمان چریکها دربار ه مسئله رهبری پرولتاریا در انقلاب بطور صریح و روشن موضع نمی گیرد .

امروز حزب تنده سه جهانی ها در ابتدا - بیات مجلس شورا به منما بندگان بورژوازی رای می دهند و نه تقویت آن می بردارند. ما زمان چریکها نیز کا ندید ما های کمیونست را با نکوت نشوده و به کا ندید ما های اقترا مر فده ما معه رای می دهند .

بدین ترتیب متوجه می شویم که ما زمان چریکها علیرغم اینکه علیه "سه جهان" موضع اعلام داده است ، ولی از آنجا که ما روبرویوسیم و جوهر طبقاتی آن مرز بندی ندارد. در عمل به گرا در "پیش سه جهانی" نزدیک میشود و با ما زمان چریکها علیه حزب تنده اعلام موضع نموده است و بسا می کنند که حزب تنده در ۲۸ مردا دنیا تیرد کرد و بسا تسلیم طلبا نه اتخاذ کرد. میگوید خط مشی حزب تنده "زبان آور" است ، می گوید : "تنها بدین حزب را تقویت و حمایت نمود ، بلکه ما زمان چریکها ایسن موضع گیری ها را علیه حزب تنده میکنند. ولی در عمل و سیاست به موضع این حزب روبرویوسیم - نیست نزدیک میشود. چگونه ؟

ما زمان چریکها ی فدا ش حزب تنده را بنما به یک جریان کا مالا روبرویوسیتنی و ارتخا سی و و وابسته به یک قدرت سوسال امیر-با لیمتی ارزیا یی نمیکنند. این ما زمان حتی از اعلام بنگاه این حزب روبرویوسیت میا ند اجتناب می ورزد (زوج تنده که راه و سایر نشربا ت ما زمان کنی) ، حال ما سؤال میکنیم چنین ارزیا یی انحرافی از حزب تنده آیا به معنای ما یاری کردن این حزب نیست ؟ آیا بمعنای افشا دادن به روبرویوسیم و نزدیک می موضع آن نیست ؟

ما زمان چریکها ی فدا ش ، حزب تنده غا ش را هم ردیف و همنای تیروها ی اصیل کمیونستی و انقلابی میهن گذا شته و مطرح می کنند اما دلایلی که از کا ندید ما های کمیونست نشا بدحما ییتم کرد ، از کا ندید ما های حزب تنده نیز نشا بدحما ییتم نمود و بسا ما زمان چریکها ی فدا ش می گوید :

"حما ییات از کا ندید ما های سه جرایسی (پیکار) راه کارگر ، حزب تنده - تا کید آزما ست ارا که تیرد به تنها در عرصه گذرش زمینه های وحدت عمل کلیشه نیروهای فدا میریا لیمت و مترقی بی - تا تیرمی دانیم ، بلکه در موا ردی سیر مملکرد بشمناسی از آنها را به علت سیاست وسواسی که ا رند به زبان کشین آن زمینه های دانیم ."

(هما نجا)

مفهوم گفته بورژوسیتنی فوق روشن است : از نظردا ش ما حزب تنده در کنار تیروها ی انقلابی قابل ارزیا یی می باشد .

از نظرا تنها ییما ن ترتیب که حما ییات از کمو - سیشتی و انقلابی در وقت عمل فدا میریا - لیمتی بی تا شروا ست ، همتا یی از کا ندید ما های حزب تنده چون "با نگاه تنده" ا نداریند بی تا شروا ست ، بمعنای دیگر حما ییات از ضد انقلابیون روبرویوسیت نشا ت نیست ، بلکه "بی تا شیر" است. و آخر اینکه حما ییست در "موا ردی" زبان آور می باشد. بمعنای دیگر در موا رد دیگری همگاری و حما ییات از حزب تنده زبان آور تنده خواهد بود و تا به دم مقید و لازم نیز باشد !

ما زمان چریکها ی فدا ش خلق با حیثیت بشنیدین به حزب تنده روبرویوسیت و مزدور با یشتی یا ذفن به دستا ورده شده ا شدا ش که موضع قاطع علیه حزب تنده ا شتند. به با ری حزب تنده می نشا ند ، و در اینجا ما با هم سشوال می کنیم این با ری رسا ندن آبا بمعنای آن نیست که ما زمان چریکها در عمل و سیاست به موضع حزب تنده نزدیک میشود ؟

ما زمان چریکها با حزب تنده مخالفست میکنند ما موضع آنها در موا رد افنا نشان نیکنان می شود. موضع آن در قبال سوسال امیریا لیم و فروریوسیت می شود. موضع آن در قبال حزب دموکرا تیک پیش یگان می شود. موضع آن در قبال قدرت سیاسی و تحلیلی از اوضاع طبقاتی نزدیک میشود. آیا واقعا این دلایل ، واقعبت های انکارنا پذیر ی جهت اشیا ت نزدیک شدن موضع ما زمان چریکها ی فدا ش به موضع حزب تنده روبرویوسیت به شمار نمی آیند ؟

نتیجه گیری ما

در ارزیا یی از سیاست روبرویوسیتنی ما زمان چریکها ی فدا ش در عرصه مبارزه انتخا یی با تنها بدین نتیجه می رسم که این ما زمان با عدم حما ییات از کمیونستی و حما ییات از کا ندید ما های افشا ریزه ، یک گام دیگر بسوی بورژوازی تیرمی دارد .

لنین می گفت برای بی بردن به ما هیت یک جریان سیاسی نشا بدیه گفتا رها و ردا نت بلکه ما بدین "جبری که ما این جریان بسا ندان عمل می نشا بدیه شده است. با بدیه سنگبری عینی طبقاتی این جریان دقت نمود ، ما زمان چریکها ی فدا ش با سیاست انتخا یی خود بی فرا هم کردنا تنده ما به جنبه بورژوازی نزدیک شوند. این ما زمان با سیاست روبرویوسیتنی خود به نفوذ بشنیر بورژوازی در میان تنده ها با ری رسا نیده ، توهمنان را نسبت به هیئت حاکمه بیشتر نموده و آن را از بیرو - لئاریا و کمیونستی دور نماید حما ییات از عناصر بی هویت و در عین حال متعلق به "لا شها"

حزب به آبا ی بورژوازی ریختن و سرخلاف موضع پرولتاریا موضع گرفتن هیچ معنای دیگری ندارد. ما زمان چریکها با انتخا د این سیاست روبرویوسیتنی تما یل طبقاتی خود را نشان داد و در عمل منخشی کرد که به چکنا سی نزدیک میشتی دارد. این ما زمان بسا حرکت خود نشا ت داد که نمی تواند از منافع پرولتاریا حما یی کند .

حرکت و سیشی انحرافی این ما زمان رنگ ختری برای تمام تنده های سازمانی و طبقه داران را هواداران این ما زمان بشما رمی - آید و تا آن را در مقابل وظایف سخطیبری فرا رده و از آن هوشیاری انقلابی بسای

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

می طلبد. ما هم‌نظور که در فصل نبردها اسم این سیاست انتخابی تک‌امراتفاقی و تا کجا می‌نمست. این سیاست انکار بی‌خط می‌ویک گرایش طبقاتی است. کسانیکه فکر می‌کنند این سیاست انحرافی جدا از سیاست مبنی‌حاکم بر این نیرو است. سخت در اشتباهند. کمی دقت به سیاستها، عملکردهای این سازمان روشن می‌سازد که ریشه انحراف همان خط مبنی حاکم و همان تک‌گرایش و گرایش حدت یافته روبروی سوسیالیست سازمان

حریکهای فدائی می‌سازد. ما همان طور که بارها و بارها بدرستی تذکر داده و هشدار داده‌ایم گرایش فوی روبروی سوسیالیست سازمان آن‌سپردن خط مبنی حریکهای در برابر آن قرار داده است.

لنتم در ارزیابی از انترناسیونالی دوم و یورونیسم و روبروی سوسیالیسم حاکم بر آن نوشت: "یورونیسم در مسیر خود به مرحله

گندزدگی رسیده و سوسیالیسمی نه اردوگاه سوروزاری گزیده. یورونیسم سوال - تو - بیستم مثال ده است. چه از لحاظ معنوی و چه از لحاظ سیاسی می‌باید خود را با سوسیالیسم دموکراسی گسسته است. از لحاظ تکنیکی نیز می‌باید خود را با آن خواهد گسست.

(یورونیسم و ورکنسکی
انترناسیونالی دوم)

ما اعلام می‌کنیم که امروز سازمان حریکهای فدائی خلق "سوسیالیسمی نه اردوگاه سوروزاری" نبوده است. ولی جهتی که خود گرفتند نزدیک به پیش از پیش به این اردوگاه می‌باشد. آری، سازمان حریکهای فدائی راهی را در پیش گرفته که سرانجام نزدیکش سرداب روبروی سوسیالیسم است و می‌باید به جنبه سوروزاری خواهد بود.

۵۹/۱/۶

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خجسته باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی همبستگی کارگران



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم